

قیام ملی سی ام تیر درسی برای نسل جوان امروز

هم میهنان!

پس از جنگ جهانی دوم و خروج دیکتاتور و اشغال نظامی ایران و تکانی که به دستگاه دیکتاتوری وارد شده بود، نهادهای استعماری قدرت حتی از آزادی نسبی مطبوعات احساس نگرانی می کردند و میکوشیدند با نیرنگ و تهدید پایه ای قدرت خود را حفظ کنند و به تدریج آن را استوار سازند.

مردم روز به روز به حقوق تاریخی و اجتماعی خود آگاه تر میشدند و با تشکیل احزاب و جمعیت‌های سیاسی برای قطع نفوذ استعمار و مهار کردن قدرت هیات حاکم و استقرار دموکراسی، تلاش‌های خود را متمرکز میکردند. حزب توده که از هدف‌های شوروی پیشین الهام میگرفت، در این راه فرمانبرداری از سیاست شوروی را تا حد بردگی و با تبعیت از مفهوم استالینی انترناسیونالیسم مجاز می دانست.

آن حزب، نیروی ملت را تعیین کننده پیروزی نمی دانست و برای دستیابی به هدف‌های خود در انتظار تحولات بین المللی و پیروزی شوروی بسر میبرد.

نیروی دیگر ملت پیرو سیاست **دکتر مصدق** بود، دکتر مصدق سیاستمداری شجاع، تیز بین، مجرب و صادق بود و به آزادی‌های ملت‌های زیر ستم استعمار عقیده کامل داشت و از تضاد‌های بین المللی و اختلاف نظر هیات حاکمه سود می جست. هدف و معیارهای او در داوری بسیار روشن و ساده بود و همگان به راحتی سخنان او را درک میکردند. واقعیت این است که تاریخ قیام علیه استعمار و مبارزه علیه سلطه‌های سیاسی و فرهنگی را در این زمان نمی توان به راستی و صداقت نوشت، مگر آنکه از مصدق به عنوان پیشگام خستگی ناپذیر این مبارزه یاد کرد.

دکتر مصدق با اتخاذ سیاست موازنه منفی با دادن امتیاز به هریکانه ای مخالفت میکرد.

از اواسط قرن ۱۹ مشی سیاسی دولتهای ایران در رابطه با دولتهای بریتانیا و روسیه بر اساس سه نظریه استوار بود که پس از جنگ جهانی دوم به نحو روشنتری مطرح گردید:

الف: سیاست یکطرفه مثبت، یا تقسیم منافع با امپریالیست‌های غرب و جلوگیری از شرکت دادن روسیه.

ب: سیاست موازنه مثبت، شمال تحت نفوذ روسیه و جنوب از آن انگلیس

ج: سیاست موازنه منفی، قطع نفوذ غرب و روسیه و خلع ید از غرب و روسیه از تاسیسات اقتصادی و ایجاد سیاست مستقل از دو قطب

گفتنی است که پیش از تشکیل اولین کنفرانس کشورهای غیر متعهد در باندونگ (بهار ۱۹۵۵) و سپس کنفرانس قاهره و کنگره هاوانا، مصدق نظریه سیاسی خود را عرضه کرده بود. این سیاست که راه هرگونه نفوذ و سلطه خارجی را بر اقتصاد و سیاست و فرهنگ و اجتماع سد میکند سیاست موازنه منفی بود.

دکتر مصدق معتقد بود که به هیچیک از خواستاران امتیاز، نه همسایه شمالی و نه همسایه جنوبی و نه دولت آمریکا امتیازی داده نشود.

آنگاه که در مجلس بود با تقدیم طرح چهار ماده ای و ممانعت کار بدستان حکومتی از مذاکره در باب امتیاز به بیگانگان، امید آنان را برای گرفتن امتیاز بر باد داد و راه مبارزه مردم ایران را برای استیفای حقوق خود تا ملی شدن صنعت نفت هموار ساخت.

دکتر مصدق رهبر نهضت ملی ایران آنگاه که به زمامداری رسید با حمایت همه جانبه ملت به دفاع جانانه از منافع و مصالح ملی ایران ادامه داد در جلسه ۲۴ مهر ۱۳۳۰ شورای امنیت که در پی شکایت انگلستان و جانبداری آمریکا از آن تشکیل شده بود گفت: استفاده ای که شرکت نفت فقط طی سال ۱۹۵۰ از نفت ایران برده پیش از تمام منافع بوده که طی نیم قرن به ملت ایران پرداخته است نماینده انگلستان گفته است که صنعت نفت ایران در نتیجه کوشش و زحمات افراد انگلیسی بوجود آمده است و حال آنکه این صنعت با رنج و عرق جبین کارگران ایران نضج گرفته است

نخست وزیر ایران هنگام خروج از جلسه شورای امنیت به خبرنگاران گفت که هیأت نمایندگی ایران در جلسه آینده شورا حضور نخواهد یافت و دولت ایران از شورا پند و اندرز نخواهد پذیرفت.

انگلیسی ها تنها راه حل بحران نفت را سقوط دولت مصدق از طریق اعمال فشار اقتصادی و سیاسی توصیه میکردند.

آمریکایی ها در پی آن بودند که نهضت ملی ایران به منافع شرکت های نفت آمریکا درخاور میانه لطمه وارد نسازد و نیز خواستار سهم از نفت ایران بودند.

شوروی ها می خواستند مساله نفت ایران هرچه بیشتر لاینحل باقی بماند تا وضع اقتصادی کشور وخیم تر شود و زمینه برای تشدید نا رضایتی مردم فراهم گردد.

دکتر مصدق در بازگشت از شورای امنیت به ایران روز ۲۸ آبان ۱۳۳۰ در میان استقبال بیش از دو میلیون مصری وارد قاهره شد. مصریان با شعارهای زنده باد دکتر مصدق و زنده باد رهبر مبارزه با امپریالیسم از او استقبال کردند.

نخست وزیر ایران طی نطقی که از رادیو قاهره پخش شد مبارزه مردم مصر را ستود این سفر برای مردم مصر و ملت های دیگر شمال آفریقا که در گیر مبارزات ضد استعماری برای کسب آزادی خود بودند دلگرم کننده و تشویق انگیز بود ولی مخالفان و دشمنان نهضت ملی ایران را خشمگین ساخت.

دولت انگلستان پس از مایوس شدن از حل مساله نفت از راه مذاکره با دولت ایران، سقوط مصدق را تنها وسیله رفع بن بست مشکل نفت تشخیص داد و بدین منظور برای به زانو در آوردن ملت ایران، در صدد اعمال فشار اقتصادی بر آمد ولی اجرای این طرح جز با همکاری موثر دولت آمریکا به نتیجه مطلوب نمی رسید، بدین ترتیب انگلستان و آمریکا بر توپنه های خود علیه دکتر مصدق و نهضت ملی ایران افزودند.

در این میان گروهی از نمایندگان مجلس که وابسته به دربار و شرکت سابق بودند به طور علنی با توطئه گران همکاری میکردند و مجلس را پایگاهی برای انجام مقاصد خائنانه خود کرده بودند.

روز ۲۵ تیر ۱۳۳۱ دکتر مصدق پس از سه ساعت مذاکره با شاه بر سر معرفی اعضای کابینه خود به خصوص پست وزارت جنگ مورد موافقت شاه قرار نگرفت از نخست وزیری استعفا کرد. انعکاس کناره گیری دکتر مصدق باعث شد که بیشتر مغازه های خیابان و بازار های تهران و شهرستانها تعطیل شود.

در آنروز فرمانداری نظامی تهران اعلامیه تهدید آمیزی منتشر کرد و مردم را از هرگونه تظاهرات بر حذر داشت و در پی آن ماموران انتظامی و فرمانداری نظامی با تانک و زره پوش به خیابان ها ریختند و نقاط مهم پایتخت را زیر نظر گرفتند.

روز ۲۸ تیر ماه با اشاره شاه مجلس شورای ملی بدون حضور نمایندگان فراکسیون نهضت ملی (جبهه ملی) به زمامداری احمد قوام (قوام السلطنه) رای تمایل داد و شاه فرمان نخست وزیری را با لقب جناب اشرف به نام او صادر کرد.

قوام السلطنه در اعلامیه شدید اللحن به تهدید مردم پرداخت. او بدون توجه به همبستگی عمیق ملت ایران در نگرانی از نهضت ملی ایران و پشتیبانی از دکتر مصدق با صدور این اعلامیه خشم مردم را برانگیخت و زمینه سقوط فوری خود را فراهم ساخت.

او که با حمایت انگلستان و آمریکا روی کار آمده بود تا نهضت ملی ایران را خاموش سازد، قدرت مقاومت مردم را در حفظ دست آورد های مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی، دست کم گرفته بود.

در تظاهرات و مقاومت سی ام تیر همه مردم کارگر، کشاورز، پیشه ور و کارمند، دانشجو، روشنفکر، بازاری، پیر و جوان و زن و مرد در کنار هم بودند و با فریادهای یا مرگ یا مصدق و مصدق پیروز است با نظامیان و پاسبانان که بسوی آنها تیراندازی میکردند، در گیر شدند که در جریان آن گروه زیادی از مردم شهید و زخمی گردیدند.

پیوستن بسیاری از نظامیان به مردم شاه را سخت نگران ساخت و بعد از ظهر همان روز نیروهای ارتش و انتظامی عقب نشینی کردند و قوام السلطنه مجبور به استعفا شد. ساعت هفت بعد از ظهر هزاران تن از مردم عازم خانه دکتر مصدق شدند و پیشوای نهضت ملی از همبستگی ملت ایران قدر دانی کردند.

در شامگاه روز سی ام تیر ۱۳۳۱، پیروزی بزرگ دیگری نصیب ملت ایران شد و آن خبر اعلام رای دیوان داد گستری بین المللی مبنی بر عدم صلاحیت داد گاه در رسیدگی به شکایت انگلستان در مورد نفت ایران بود این رای حقانیت

ملت ایران را در مبارزه علیه جبهه متحد استعمار ثابت کرد، پیروزی سی ام تیر را کامل ساخت و بدین طریق دکتر مصدق رهبر مبارزات ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران با رای گسترده مردم ایران زمام امور را مجدداً در دست گرفت

تاریخ ایران نشان میدهد که مردم این سرزمین همواره از حق حاکمیت ملی و منافع و مصالح ملی خود دفاع کرده اند و هرگاه رهبری صادق و اندیشمند ظهور می کرد نهضتی همگانی و پیروز در عرصه حیات ملی ایرانیان رخ مینمود که تداوم این نهضت ها حافظ استقلال و آزادی این مرز و بوم به شمار می آید .

نهضت ملی ایران به رهبری دکتر مصدق بار دیگر این حقیقت تاریخی را تأیید کرد که برای رسیدن به آزادی راهی جز استغفار مردم سالاری وجود ندارد و مردم سالاری نیز با ایستادگی و مبارزه آگاهانه و مداوم ضد استعماری و ضد استبدادی به دور از خشونت امکان پذیر است.

پرچمی را که دکتر مصدق بر افراشت برای همیشه فرا راه ملت های آزادی خواه و استقلال طلب در اهتزاز خواهد ماند.

درود بر شهیدان راه آزادی و استقلال ایران بویژه شهیدان سی ام تیر

درود بر روان شهیدان، داریوش و پروانه فروهر رهگشایان مبارزات ملت گرایانه ضد استبدادی و ضد استعماری ملت ایران

شرکت در اعتراضات مسالمت آمیز حق جاودانی ملت ایران است

دبیرخانه حزب ملت ایران

تهران - ۲۰ تیر ۱۳۸۸ خورشیدی